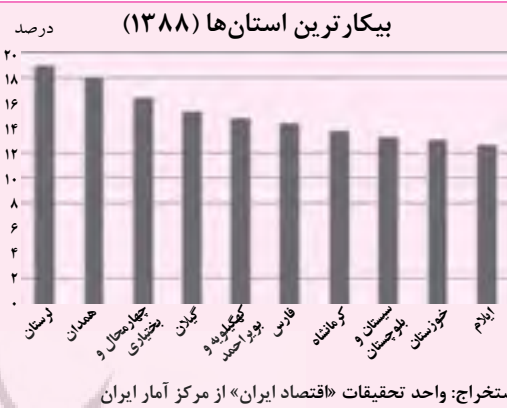


اشاره دارد.

علل و پیامدها

از مهمترین عوامل تشدید بیکاری در ایران، رشد اقتصادی پایین و ناپایدار کشور، به خصوص در سال‌های اخیر است که به درآمدهای سرشار نفتی و نه سرمایه‌گذاری مولد متکی است. به اعتقاد بسیاری از کارشناسان برای حل معضل بیکاری در ایران، رشد اقتصادی معادل ۸ درصد لازم است. بر این اساس، حتی برای باقی ماندن در نرخ بیکاری فعلی باید سالانه در حدود ۸۰۰ هزار فرصت شغلی ایجاد کرد. همچنین پیش‌بینی می‌شود تا سال ۱۴۰۰ جمعیت جوان ایران به رقمی متجاوز از ۶۱ میلیون نفر برسد که با این حساب



تا آن زمان نیاز است ۲۹ میلیون فرصت شغلی فراهم شود. کاهش تولید و سرمایه‌گذاری مؤثر در این بخش به عنوان عاملی مهم در تشدید بیکاری ایران مورد بحث قرار می‌گیرد که از جمله دلایل آن می‌توان به سیاست‌های دولت و بانک مرکزی در ایجاد محدودیت برای پرداخت تسهیلات

رکود در صنایع ایران

از بیم رکود تا امید رونق

به تولید کنندگان اشاره کرد. طرح بنگاه‌های زود بازده که قرار بود مشکل بیکاری کشور را حل کند، نمره قابل قبولی نگرفت. تحریم‌های پی در پی شورای امنیت، ناامنی و عدم موفقیت در جذب سرمایه، کاهش تولید نفت و تضعیف صنایع وابسته به نفت و گاز نیز از دیگر دلایل قابل ذکر در تشدید بیکاری کشور در سال‌های اخیر هستند. علاوه بر این موارد، ناسازگاری نظام آموزشی کشور با نیازهای شغلی، چسبندگی دستمزدها و ورود جمعیت بسیار زیاد متولدین دهه ۶۰ به بازار کار سایر علل بیکاری در ایران محسوب می‌شوند.

در چنین شرایطی که آمارها از نرخ ۱۴/۶ درصدی بیکاری برای ۳ ماهه نخست امسال حکایت می‌کنند، لازم است دولت در روند صعودی افزایش بیکاری بیشتر تأمل کرده و با توجه به آثار گسترده این معضل در جامعه از قبیل فقر، بروز ناامنی و بی‌ثباتی سیاسی، افزایش فعالیت‌های زیرزمینی، فرار مغزها و تبعات روحی و روانی آن، به چاره اندیشی و ارائه راهکارهای مناسب و منطبق با شرایط جامعه بپردازد. ■

در زیرمجموعه‌های اقتصادی تداوم یافته و چشم‌انداز موجود، وضعیت بهتری را در مقوله اقتصاد - لاقبل تا پایان سال جاری - نوید نمی‌دهد.

اقتصاد ایران: هدفمند سازی یارانه‌ها که قرار است در نیمه دوم سال به اجرا درآید، چه تأثیری بر حوزه فعالیت شرکت‌های تولیدی ایران به طور عام و شرکت سکو ایران به طور خاص خواهد داشت؟

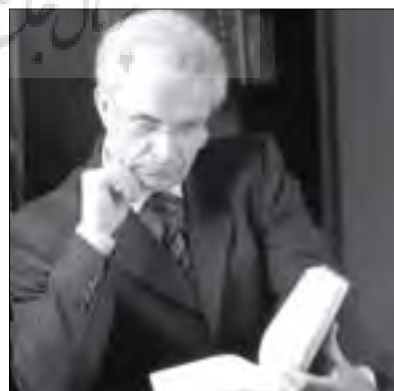
بی‌تردید هدفمند کردن یارانه‌ها بر نقدینگی بنگاه‌های تولیدی فشار وارد خواهد کرد و در نتیجه قیمت تمام شده را بالا خواهد برد. در این شرایط، وضعیت رکود تشدید خواهد شد و شرایط واحدهای صنعتی، کشاورزی و دامپروری هم به رو به وخامت خواهند گذاشت. پیش‌بینی می‌شود این حرکت با توجه به رشته‌های مختلف، بین ۱۲ تا ۶۰ درصد بر قیمت محصولات مختلف اثر بگذارد. در سیستم تولید سکو هم انرژی جایگاه ویژه‌ای دارد، چون ما پروفیل‌هایمان را در دستگاه‌های خاص با برق تولید می‌کنیم و سیستم نقاشی و پخت رنگ با برق و گاز کار می‌کند. همچنین در بخش ساخت پیراق آلات، واشرها و مونتاژ همه ابزار و ماشین آلات از برق استفاده می‌کنند. لذا هدفمندی یارانه‌های انرژی بر فعالیت ما مؤثر خواهد بود.

در این بین، اگر چه دولت متعهد شده است بخشی از درآمد ناشی از حذف یارانه‌ها را در بخش‌های مولد بازتوزیع نماید، اما برآورد شده که دولت ۱۸ درصد درآمد ناشی از افزایش بهای انرژی را از صنعت می‌گیرد. در این صورت اگر واقعاً ۳۰ درصد از درآمدها در بخش تولید بازتوزیع شوند، با امید به ایفای دقیق و متناسب این تعهد، می‌توان از آسیب بیشتر به صنایع جلوگیری کرد، اما اگر قرار باشد تولید کنندگان از مهر یا آذر ۸۹ و یا ابتدای سال ۹۰ بهای سنگین انرژی را - که شاید تنها مزیت برای فعالیت‌های صنعتی در ایران است - بپردازند و چشم به راه باشند که روزی دولت این مازاد دریافتی را به آنها برگرداند، مسلماً باید منتظر از پا درآمدن صنایع و صاحبان حرف بیشتر باشیم. در کارگروهی که برای توزیع در وزارت صنایع تشکیل شده و اینجانب هم به عنوان نماینده اتاق بازرگانی و صنایع و معادن در آن شرکت می‌کنم، پیشنهادات خوبی ارائه شده که امیدواریم در گزینه انتخابی نهایی لحاظ گردد. قرار است از طریق مکانیزم‌هایی چون تغییر تعرفه، پرداخت وام، اعطای جوایز صادراتی و پرداخت مستقیم یارانه و یا از طریق بالا بردن بهره وری شامل مکانیزم‌هایی چون تحریک بازار، منابع انسانی، جایگزینی انرژی ارزان‌تر، کمک به صادرات و واردات و در اختیار گذاردن منابع مالی برای زمینه سازی و افزایش بهره وری، اقداماتی صورت گیرد. حتی پیشنهاداتی همچون تعویق اجرای این قانون برای مدت یک تا سه سال و یا عدم شمول

مصاحبه «اقتصاد ایران» با مهندس احمد پورفلاح، مدیر عامل و نایب رییس هیأت مدیره شرکت سکو ایران و نماینده بخش صنعت در اتاق‌های بازرگانی تهران و ایران

ناشی از همین رکود است. لذا می‌بینیم که وجود این عوامل، ارزش نزولی بودن تورم را زیر سؤال می‌برد و رشد اقتصادی حدود ۲/۵ درصدی در پایان سال ۸۸ مؤید این دیدگاه است.

در یکی دو ماه پایان سال، تحرکی که در بخش ساختمان و مسکن دیده شد و پرده برداری از بسته حمایتی و سیاستی بانک مرکزی که نوید شرایط انبساطی را در گردش پول و ارائه تسهیلات می‌داد، قدری حرکت را در پاره‌ای از بخش‌ها موجب شد، اما به دلیل اجرایی نشدن آن و نامشخص بودن وضعیت هدفمند کردن یارانه‌ها، بی‌تحرکی یا کم‌تحرکی



اقتصاد ایران: با توجه به شاخص‌ها و متغیرهای اقتصاد، وضعیت حال حاضر کشور را به خصوص در حیطه فعالیت خودتان رو به رشد یا در رکود ارزیابی می‌کنید؟

سال ۸۸ یک فاکتور مثبت اقتصادی از خود به جای گذاشت و آن هم روند نزولی تورم و کاهش آن به حدود ۱۰

درصد در پایان سال - برابر آمارهای دولت و بانک مرکزی - بود، اما نکته قابل توجهی که از سال گذشته تاکنون شاهد آن هستیم، تداوم رکود در بخش‌های دیگر اقتصاد همانند تنزل سرمایه‌گذاری در ساخت و ساز و کاهش شدید نقدینگی است که قسمت اعظم این کاهش تورم

افزایش در سال‌های اولیه در مورد گاز مایع، گاز طبیعی، نفت کوره و گازوییل مطرح شده است و باید منتظر مصوبه نهایی دولت بود که ظاهراً باید بر روی ۹ گزینه طراحی شده تصمیم‌گیری نماید. واقعیت این است که همگی ما در بخش تولید معتقد به حیاتی و اساسی بودن موضوع حذف سوبسید هستیم، ولیکن نظرم آن است که امروز شرایط مناسبی را برای پیاده کردن این قانون در صنعت نداریم. رکود، مشکل نقدینگی و تحریم‌ها، شرایط نامطلوبی را بر واحدهای صنعتی و تولیدی کشور تحمیل نموده است. ما در سکو امیدواریم با تنوعی که در تولید محصولات مختلف و ارایه خدمات داریم، بتوانیم این مرحله را نیز با کمترین مشکل پشت سر بگذاریم.

اقتصاد ایران: با توجه به وضعیت نظام بانکی، ارزی، مالیاتی و دیگر مباحث تأثیر گذار بر تولید، اتخاذ چه سیاست‌هایی را برای بهبود اوضاع مثمر ثمر می‌دانید؟ نحوه اجرای آن باید چگونه باشد؟

این سؤال حوزه‌های زیادی از اقتصاد را شامل می‌شود و پاسخ آن می‌باید بسیار فراگیر و گسترده باشد که شاید در حوصله این مصاحبه نباشد، اما به اختصار در زمینه هر یک از زیرساخت‌های اقتصاد نظر خود را بیان می‌کنم:

امروزه واحدهای تولیدی به دلایلی که قبلاً به آنها اشاره شد و همچنین رکود حاکم بر بازار مصرف، با مشکل نقدینگی مواجهند. سیاست انقباضی و قفل نمودن مجاری تأمین تسهیلات، بسیاری از آنها را از عرصه تولید دور کرده و برخی را به ورطه ورشکستگی کشانده است. تولید کننده انتظار دارد سیستم بانکی با گشاده دستی بیشتری واحدهای صنعتی واقعی و "امتحان پس داده" را یاری کند. ادامه سیستم انقباضی علاوه بر صدمه‌ای که بر محصول ناخالص کشور و سرمایه گذار صنعتی وارد می‌آورد، به موضوع اشتغال نیز صدمه شدیدی وارد می‌کند که بازتاب‌های آن، ناهنجاری و هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی سنگینی را در بر دارد. در این راستا، سیستم بانکی باید با بدهکارانی که ناخواسته گرفتار شده‌اند همراهی بیشتری داشته باشد. هیچ تولید کننده متعهد صنعتی دلش نمی‌خواهد چکش برگشت بخورد یا قسط بانکی‌اش عقب بی‌افتد. نگاهی به زمان جنگ بی‌اندازه که تنگنای زیادی بر بخش صنعت فشار می‌آورد، اما صنعتگران به موقع بدهی خود را پرداخت می‌کردند و قسطی از کسی عقب نمی‌افتاد، اما امروز صنعتگران آبرومندی هستند که همه دستاوردهای خود را طی سالیان طولانی در معرض بر خورداری دیگران قرار داده‌اند و در حال حاضر، برای گرفتاری‌های مالی ناخواسته خود در فشارند و حتی پشت میله‌های زندان به سر می‌برند. تعدادی از تولید کنندگان به دلیل درگیری بابت فروش محصول و

خدماتشان، چه از طرف دولت و چه از جانب بخش خصوصی مطالبات بزرگی دارند، اما چون مطالباتشان به موقع پرداخت نمی‌شود، آنها هم نمی‌توانند به موقع ایفای تعهد نمایند.

مشکل دیگر تولید کنندگان ایرانی تعیین نرخ برابری ارز و ریال است که لازم است با دقت کارشناسی شود و بهای آن هر ساله معادل تورم تعدیل شود. عدم اجرای این



ضرورت به توانمندی‌های صادراتی کشور خسارت‌های برگشت ناپذیری را تحمیل می‌کند. تعدیل نرخ برابری ارز و ریال، تضعیف ریال نیست، بلکه منطقی کردن آن است. پایین بودن نرخ ارز علاوه بر محدودیت‌های صادراتی موجب واردات بی‌رویه و صدمه بر بخش تولید داخلی شده است؛ کما این که امروزه صنایعی چون کفش، نساجی، سازه‌های سبک ساختمانی، مواد غذایی و موارد مشابه از واردات ارزان صدمه جدی خورده‌اند. کشورهایی که عوارض سنگین و رنگین تولید کننده ایرانی را نمی‌پردازند و به این اندازه تعطیلات بالا و بهره‌وری پایین ندارند، به راحتی می‌توانند در بستر ارز ارزان، بازار داخلی را از انواع محصولات پر کنند و تولید کننده داخلی را در حسرت سهمی از این بازار قرار دهند.

اقتصاد ایران: سیستم مالیاتی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در بُعد مالیاتی اگر چه در چند سال گذشته با همت مهندس مظاهری که مسئولیت وزارت اقتصاد و دارایی را داشتند، نرخ مالیات از ۵۴ درصد به ۲۵ درصد تعدیل شد، ولیکن هنوز این نرخ در مقایسه با نرخ‌های متعارف مالیاتی در خیلی از کشورها بالا است. به علاوه از تولید کننده فقط مالیات دریافت نمی‌شود، بلکه انواع و اقسام عوارض دیگر هم می‌گیرند که بار آن روی دوش آنها سنگینی می‌کند. مثلاً مالیات بر ارزش افزوده که به دلیل عدم پذیرش مصرف کننده نهایی از تولید کننده دریافت می‌شود، خود هزینه قابل توجهی را بر تولید کننده تحمیل می‌کند. لذا پیشنهاد می‌شود که مالیات

با توجه به شرایط، شناور شده و کف و سقفی داشته باشد. وقتی وضع کسب و کار بد است، می‌باید حداقل مالیات دریافت شود که پیشنهاد من ۱۵ درصد است تا صنعتگر با کاهش سود ناشی از کاهش فعالیت‌ها، به ادامه کار رغبت یابد و بداند که دولت به عنوان یک حامی در شرایط بحرانی کنار او است و در شرایط رونق فضای کسب و کار و بالا بودن درآمدها، لازم است نسبت به پرداخت مالیات تا رقم سقف، یعنی ۲۵ درصد اقدام کند.

علاوه بر همه مسایل فوق، لازم است در قانون کار کشور بازنگری شود و برای دو طرف این معادله، یعنی کارآفرین و نیروی کار، شرایط و اختیارات مساوی در نظر گرفته شود، به این صورت که اگر کارپذیری بدون اطلاع قبلی قادر باشد به واحد کاری خود پشت کند، کارآفرین هم این اختیار را داشته باشد که اگر شرایط رکود ایجاد شد و کارپذیری را نخواست، به راحتی با او ترک همکاری نماید. قانون کار فعلی که به ظاهر حامی قشر کارگران بیش از کارفرمایان است، موجب کاهش نرخ بیکاری در کشور نشده است. بسیاری از علاقمندان سرمایه گذاری در بخش صنعت، نگران این نابرابری‌ها هستند. ارزشمندترین سرمایه کارآفرینان در واحد تولید، باید کارکنان باشند، نه ماشین آلات، تجهیزات، سالن و زمین. به علاوه، هیچ کارفرمایی دلش نمی‌خواهد کارگر خوب خود را که سال‌ها سرمایه خود را صرف آموزش و تجربه اندوزی او نموده به راحتی پشت در بگذارد.

در نهایت ذکر این نکته ضروری است که باید با سرمایه گذاری، برای ارزشمند قلمداد نمودن کار و تولید، فرهنگ سازی کرد و جایگاه تولید کننده و صنعتگر را در حلدی که سزاوارش است ارتقا داد. متأسفانه نه تنها در این زمینه کار جدی صورت نگرفته، بلکه گاه تبلیغاتی بسیار منفی در مورد سرمایه دار و سرمایه گذار صنعتی هم در رسانه‌های عمومی دیده می‌شود. شخصاً بعضی اوقات مشاهده می‌کنم که در پاره‌ای از سریال‌های تلویزیونی، سرمایه داران و سرمایه گذاران جزو شخصیت‌های منفی فیلم و سریال قلمداد می‌شوند و کارخانه‌داران، چهره‌های خلافکار این برنامه‌ها هستند. امیدوارم بالاخره صنعتگر و سرمایه گذار صنعتی که جان و مال خود را برای اعتلای کشور و بالا بردن محصول ناخالص ملی و افزایش سطح اشتغال و ایجاد رفاه بیشتر برای همشهریان و هم‌میهنان خود کف دست گرفته، احترام خود را باز یابد تا دیگران به حضور در این راه سخت و پُرپیچ و خم تشویق شوند. شک نداشته باشیم که راه نجات کشور و دستیابی به توسعه پایدار تنها از تولید می‌گذرد و بس.

اقتصاد ایران: متشکرم. ■